



روزهای قبل از برگزاری انتخابات، جوان‌ها خیابان‌ها را با تبلیغاتشان پر کردند / عکس: جواد مقیمی

نقش اصلی مشارکت بی‌سابقه مردم در انتخابات بر دوش جوان‌ها بود
برای استفاده صحیح از این شور جوان‌ها بعد از انتخابات، چه کار باید کرد؟

در جستجوی شور جمعی

هدی ایزدی

رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. این مهم‌ترین خبری است که می‌شود روی آن مانور داد اما ما می‌خواهیم برگردیم کمی عقب‌تر. می‌خواهیم شب‌هایی را به یاد بیاوریم که کرور کرور جوان توی خیابان‌ها و ستادها برای کاندیدای محبوبشان سر و دست می‌شکستند و سنگ بر نامه‌هایی را به سینه می‌زدند که از دل عقاید نامزد مورد نظرشان بیرون آمده بود. کرور کرور جوان هم یعنی کرور کرور انرژی که با یک حساب سرانگشتی می‌شود یک بمب به تمام معنای انرژی. خوب، حالا بیا ببینیم به مهم‌ترین خبر این روزها برگردیم؛ دهمین رئیس‌جمهور کشور انتخاب شد؛ کشوری که کرور کرور جوان داشته که تنور انتخابات را داغ کرده‌اند و بمب انرژی اند. حالا با این بمب انرژی چه کار می‌شود کرد؟ بهترین سرمایه رئیس‌جمهور، همین جوان‌ها نیستند؟ فارغ از اینکه سرخوش از پیروزی‌اند یا سرخورده از شکست کاندیدای مطلوبشان، به هر حال این جوان‌ها توی همین مملکت زندگی می‌کنند و این انرژی هم باید توی همین مملکت صرف شود.

از برگزاری انتخابات، این جوان‌ها بودند که داشتند فضای شهر را با نشاط جوانانه‌شان به سمت مشارکت در انتخابات سوق می‌دادند؛ حالا رئیس‌جمهور مانده و همین جوان‌ها و جوانی‌ها و انرژی‌شان.

کرور کرور جوان یعنی چقدر؟

مرکز آمار ایران که در روزهای انتخابات تا دلتان بخواهد دور و برش شلوغ بود، قبل از انتخابات اعلام کرد که بر اساس برآوردها، ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای دادن در انتخابات ریاست جمهوری دهم هستند. طبق همین آمارها تقریباً ۴۴ درصد رای‌دهندگان جوان هستند؛ یعنی چیزی حدود ۲۰ میلیون از رای‌دهندگان جوان

روزهای داغ تبلیغات نشان داد که جوان‌ها علاوه بر اینکه می‌خواهند در فضای سیاسی دخیل باشند، دلشان هیجان می‌خواهد، دلشان نشاط می‌خواهد، از روزمرگی خسته‌اند و دوست دارند انرژی جوانانه‌شان را در مملکت خودشان باراه و روش‌های مشروع خالی کنند. روزهای پیش از انتخابات نشان داد که شور جمعی در میان جوان‌های ما وجود دارد که می‌تواند کوه را جابه‌جا کند اما برای این همه انرژی و شور چه فکری شده؟

انتخابات تمام شده و رئیس‌جمهور هم که با سلام و صلوات کارش را از سر می‌گیرد اما این شور جوانی کجا خرج خواهد شد؟ چطور از این انرژی استفاده خواهد شد؟ نیاز به دودوتا چهارتا ندارد. روزهای پیش

بوده‌اند. اما این ۴۴ درصد از کجا می‌آید؟ سن جوانی از چند سال تا چند سال است که این ۴۴ درصد را اعلام کرده‌اند؟ به نظر بیشتر پژوهشگران، جوانی دوره سنی ۱۳ تا ۲۵ سالگی است. هر چند بعضی دیگر، آغاز جوانی را از سن ۱۶-۱۸ سالگی می‌دانند و آن را تا ۳۰ سالگی هم کش می‌دهند اما یک تعریف نهایی وجود دارد که جوانی را از ۱۸ تا ۳۰ سالگی می‌داند.

حالا این ۴۴ درصد هم طبق همان تعریف سربرآورده است. حالا اگر دوباره نگاهی به آن ۲۰ میلیون جمعیت واجد شرایط رای دادن بیندازیم، تقریباً یک بیستم این تعداد از جوان‌ها، رای اولی به لحاظ سنی بوده‌اند؛ یعنی مرکز آمار ایران گفته که جمعیت افرادی که از آذر ۸۷ تا ۲۳ خرداد به سن ۱۸ سالگی می‌رسند، یک میلیون و ۳۵۸ هزار نفر است. خوب، حالا دستتان آمد این کرور کرور جمعیت جوان یعنی چه؟ حالا این جوان‌ها چطور از انرژی‌شان استفاده می‌کنند و چطور می‌شود از این انرژی استفاده کرد؟

اوقات فراغت و تخلیه انرژی

بخشی از وقت جوان‌ها که صرف کار و تحصیل و این حرف‌ها می‌شود اما بخش دیگری از آن باقی می‌ماند که به آن می‌گویند اوقات فراغت. حالا این اوقات فراغت چطور سپری می‌شود و در برنامه‌های فراغتی جوان‌ها چقدر ظرفیت برای استفاده از شور آنها در راستای پیشرفت جامعه گنجانده شده است؟ سازمان ملی جوانان تحقیقی در سال ۸۷ در این زمینه کرده که نتایج جالبی دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که ۲۹/۶ درصد جوان‌ها اوقات فراغتشان را با دوستان سپری می‌کنند. ۵۰/۲ درصد هم با خانواده‌ها و ۲۰/۱ درصد هم به تنهایی؛ یعنی تقریباً ۷۰ درصد جوان‌ها اوقات فراغتشان را با فعالیت‌های هیجان‌انگیز همراه نمی‌کنند چون گذران اوقات فراغت قطعاً به تنهایی نمی‌تواند تخلیه‌کننده هیجان‌های جمعی باشد و در کنار خانواده هم مختصات متفاوتی دارد. تقریباً ۳۳ درصد جوانان مورد مطالعه این تحقیق گفته‌اند که برنامه‌های اوقات فراغتشان اصلاً سرگرم‌کننده نیست و تقریباً ۶۰ درصد جوان‌ها هم گفته‌اند که از شیوه کنونی گذران اوقات فراغتشان ناراضی هستند. جالب اینجاست که اگر یک سرچ ناقابل با کلیدواژه «اوقات فراغت» در گوگل بزنید، در همان صفحات اول تا دلتان

آموزش حقوق شهروندی، شور و روزهای انتخابات را در جوان هانگه می‌دارد رقابت سالم، جوان‌های پر شور تر

اما نکته کلیدی ماجرا این است که تا ویژگی‌های جوان را نشناسیم، نمی‌توانیم برای او برنامه‌ریزی کنیم.

● این برنامه‌ریزی وظیفه کیست؟

سازمان‌های متولی امور جوانان، البته تا این را می‌گوییم، فکر همه می‌رود سمت سازمان ملی جوانان اما واقعیت این است که آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و حتی صداوسیما در این باره مسؤول هستند و باید برنامه‌ریزی کنند.

● چطور می‌شود این انرژی را انگیزه داشت؟ به عبارت بهتر چه کار کنیم که جوان‌هایی که امسال آمدند و توی جریان انتخابات بودند، در همین قضا یا باقی بمانند.

همه اینها برمی‌گردد به آموزش. این آموزش‌ها را می‌شود در مباحث حقوق بشر و حقوق شهروندی دید. توی خیلی از کشورهای دنیا از سنین نوجوانی مباحث مربوط به حقوق

شهروندی در مدرسه‌ها تدریس می‌شود. جوان باید احترام به رای اکثریت

را فراموش نکند. ممکن است شما نظری مخالف

با دیگران داشته باشید. اما احترام به رای اکثریت باید

به عنوان یک اصل پذیرفته شده باشد. این موضوع در نظام

آموزشی ما مغفول واقع شده است. این احترام به رای اکثریت باید نهادینه

شود و تا این حس وجود نداشته باشد، نمی‌شود کاری کرد.

■ محمد مهدی حاجی پروانه

دکتر محسن فرمبهنی فرهانی دارای دکترای علوم تربیتی و عضو هیات علمی دانشگاه شاهد است. با ایشان در باره حضور بی‌سابقه مردم و به ویژه جوان‌ها در انتخابات امسال حرف زدیم.

● جوان‌ها امسال هم در روزهای قبل از انتخابات خیلی پر شور بودند. چطور می‌شود این انگیزه را حفظ کرد؟

این از ویژگی‌های یک جوان است. جوان‌ها ریسک‌پذیرند. اهل خلاقیتند و دنبال ایده‌های نو. این انرژی نهفته در وجود جوان‌ها توی انتخابات امسال خیلی خوب آزاد شد. اما باید توجه داشته باشیم که این رفتار جوان‌ها می‌تواند برای جامعه هم فرصت باشد و هم تهدید؛ فرصتی که در آن می‌توان با هدایت صحیح از ظرفیت‌های موجود در جوان‌ها استفاده کرد اما اگر برنامه‌ریزی صحیحی نداشته باشیم، این رفتار تبدیل به یک تهدید می‌شود.

● خوب چه جوری می‌شود برای هدایت درست شور جوان‌ها برنامه‌ریزی کرد؟

قدم اول این است که شناخت درستی از جوان و ویژگی‌های دوره جوانی وجود داشته باشد. در مساله انتخابات اخیر می‌شود به چند نکته از راه‌های شناخت و باور جوان‌ها و برنامه‌ریزی برای جوانی اشاره کرد؛ یکی اش ایجاد انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است. در جوان‌ها بعد اجتماعی بودن وجود دارد. حزب‌ها و طیف‌های مختلف، این کار را در این دوره خیلی خوب انجام داده و جوان‌ها را در رقابت‌ها شریک کرده‌اند. مساله دوم فراهم کردن بسترهای یک رقابت سالم است. این سبب می‌شود که این انرژی هدر نرود و البته فراموش کردن سالم‌سازی برای رقابت هم خیلی خطرناک است.



پیامدهای برگزاری یک انتخابات پر هیجان راه حل: اعتماد به جوانان

کامران بارنجی

با محمدرضا طالب‌نژاد - جامعه‌شناس - حرف زدیم تا ببینیم چه اتفاقاتی در انتخابات ریاست جمهوری افتاد که این هیجان بزرگ در مردم ایجاد شد و برای حفظ این هیجان در مسیر مناسب چه باید کرد.

● فکر می‌کنید اوایل انقلاب همه مردم تجربه انتخابات

هیجان‌انگیز به این شکل را داشتند؟

اگر منظور تان تجربه تبلیغات نو و جدیدی مثل انتخابات اخیر است، باید بگویم از این نظر انتخابات سال ۸۸ در تمام دوره‌های گذشته بی‌سابقه بوده است.

● مثلاً چه تجربه‌هایی؟

انتخابات این دوره به لحاظ شکل و محتوا خیلی مدرن بود. ارائه نوعی از تبلیغات که جنبه ابتکاری داشت؛ مثل استفاده از رنگ‌ها و برگزاری تجمعات میدانی و راه انداختن کارناوال‌های تبلیغاتی در کوچه‌ها و خیابان‌ها یا حتی همین مناظره‌های تبلیغاتی همگی تجربه‌های مهم و خوبی برای جوان‌ها، مردم و به خصوص نظام بود.

● فکر می‌کنید از لحاظ کیفی هم این تجربه‌ها به خوبی مورد استفاده قرار گرفتند؟

به هر حال چون برای نظام این اتفاقات مدنی و مردمسالاری تجربه جدیدی بود، طبیعتاً کاستی‌هایی داشت ولی سعه صدر پلیس به عنوان برقرار کننده نظم در جامعه بسیار خوب و چشمگیر بود و ظرفیت‌های طرفداران کاندیداها به خصوص ۲ کاندیدای شاخص در پذیرش تفاوت سلیقه‌های یکدیگر خیلی خوب بود؛ اینها همه باعث افزایش سطح کیفی تبلیغات می‌شد.

● از نظر شما باید چه کار کرد؟

من فکر می‌کنم نظام با اعتماد به جوانان به آنها اجازه داد بدون هیچ نوع دخالتی خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خودشان را بگویند. این اعتماد باعث شده که بعضی از همین جوانان که تا دیروز نامید و افسرده بودند به نظام دلبسته شوند و برای موفقیت کشور بیشتر تلاش کنند.

● چگونه باید در بین جوان‌ها ایجاد انگیزه کرد؟

راهکار اصلی و شاه کلید ایجاد انگیزه و تقویت آن بین جوانان، اعتماد به این نسل است. ما اگر به همین جوانان بعد از انتخابات هم اعتماد کنیم و اجازه بدهیم خواسته‌های خودشان را به صورت مدنی مطرح کنند و حسابشان را از اراذل و اوباش و اخلاص‌گران و آشوب‌گران جدا کنیم و حتی ایجاد امنیت در جامعه را بسپاریم به خود جوان‌ها، باور کنید خیلی از مشکلات حل می‌شود. راهکار بعدی صبر و تحمل کسانی است که کنترل اوضاع را بر عهده دارند. از نظر من مسؤولان باید بگذارند خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شکل مدنی مطرح شوند.



بود، توی خیابان‌ها برای کاندیدای محبوبشان تبلیغ می‌کردند و البته بیشتر فرصتی پیدا کرده بودند تا بتوانند انرژی‌ای را خالی کنند که خیلی وقت است آن را خالی نکرده‌اند. نگاه به اتفاقات ملی چند سال گذشته نشان می‌دهد که فقط کافی است اتفاقی در سطح ملی پیش بیاید تا جوان‌ها کارناوال شادی توی مملکت راه بیندازند. برد ایران از استرالیا را یادتان هست؟ شب ۸ آذر چه اتفاقی افتاد؟ بله، ما جوانیم و انرژی داریم و شور و شوق جمعی مان آن قدرهایی هست که بتوان روی آن سرمایه‌گذاری کرد.

درست است که انتخابات تمام شده اما جوانی که تمام نشده است؛ انرژی این جوان‌ها که به پایان نرسیده؛ انرژی‌هایی که می‌توانند در کنار همدیگر خیلی اتفاق‌ها را در مملکت رقم بزنند؛ همان‌طور که انتخابات

امسال را پر شور ترین انتخابات

کرد و همان‌طور که هر جا وارد

عمل شده، توانسته معادلات را

به هم بزند. به آمار چند پاراگراف

قبل نگاهی بیندازید. بیشتر از ۲۰

میلیون جوان داریم. به اینها باید

خیل نوجوان‌های بین ۱۴ تا ۱۸ سال

را هم اضافه کنید. می‌دانید یعنی چه؟ خیلی از

دولت‌ها حاضرند خیلی چیزها را بدهند و این جمعیت

جوان را داشته باشند تا بتوانند روی شور آنها

حساب کنند. جوان‌ها تنور انتخابات را گرم

کردند اما ما همین شور خیلی کارهای

دیگر هم می‌توانند بکنند. برای این انرژی

دسته‌جمعی چه برنامه‌ای ریخته شده؟ از

این انرژی چه استفاده‌ای برای پیشرفت

کشور می‌خواهند بکنند؟ باید قبول کنیم

که همین حس مشارکت می‌تواند زودتر از

۴ سال یک بار گل کند؛ می‌تواند در جایگاهی

خرج شود که صرفاً تبلیغاتی نباشد؛ می‌تواند

سازندگی به دنبال داشته باشد؛ نه؟

بخواهد مطلب به دست می‌آید که مربوط به میزان مطالعه است؛ در صورتی که مطالعه جزو فعالیت‌های نشاط‌آور برای جوان‌ها به حساب نمی‌آید و بیشتر یک امر فکری است تا تخلیه‌کننده انرژی‌های جوانانه.

هیجان به دردی بخور

حالا بیایید نگاهی به فهرست برنامه‌های فراغتی بیندازیم که سازمان‌های مرتبط با این حوزه ارائه می‌دهند: برنامه‌های فرهنگی و هنری، کتابخوانی، پژوهش و مطالعه، برنامه‌های ورزشی، اردوهای جهادی، اردوهای علمی، زبارتی و گردشگری، مهارت‌آموزی،

گردش در فضای مجازی، گفت‌وگوی جوانان و ابتکارات

و اختراعات آنها. به غیر از برنامه‌های ورزشی و

اردوهای گردشگری، کدام یک از این برنامه‌ها

می‌توانند جای برنامه‌های سازنده و در عین حال

تخلیه‌کننده انرژی جوان‌ها را بگیرند؟ کدام یک

از این برنامه‌های فراغتی می‌توانند به اندازه شور

و هیجان بعد از یک برد شیرین در فوتبال یا

تبلیغات انتخاباتی انرژی جوان‌ها را تخلیه کنند؟

روزهای داغ انتخاباتی، شور و هیجان جوان‌ها تا نیمه

شب در خیابان‌ها با همان سروصداها و خنده‌ها و دور هم

بودن‌ها و احساس اشتراک داشتن، سکه‌ای بود که روی دیگری

هم داشت.

جوان‌ها هیجانشان را باید یک‌جوری خالی کنند. به محض اینکه

فرصتی دست دهد، توی خیابان‌ها هستند تا بتوانند شاد باشند. جوان‌ها

می‌خواهند در جامعه‌های بانشاط زندگی کنند. حالا بهتر نیست این

انرژی فراوان با حساب و کتاب و در جایی خرج شود که نتیجه در خوری

برای کشور داشته باشد؟ آنها هیجان می‌خواهند و نشاط، چون جوان

هستند؛ یعنی چیزی حدود ۲۰ میلیون از رای دهندگان

پس بهتر نیست این نیاز آنها با امری جواب داده شود که

نتیجه‌بخش و به دردی‌بخور باشد؟ همراه کردن انرژی جوانی با امور جمعی

که به این انرژی نیاز دارد، کار سختی نیست؛ باور کنید.

به دنبال سازندگی

در روزهایی که گذشت، همین جوان‌هایی که آمارشان در آمده

۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای دادن در انتخابات بودند. طبق همین آمارها تقریباً ۴۴ درصد رای دهندگان جوان هستند؛ یعنی چیزی حدود ۲۰ میلیون از رای دهندگان